

# بررسی مبانی مشروعیت زندان در قرآن کریم

بخش اول

دکتر سهراب مروتی

استادیار گروه حقوق دانشگاه ایلام

عبدالجبار زرگوش نسب

دانشجوی دوره دکتری - عضو هیأت علمی دانشگاه آزاد ایلام

## چکیده

یکی از شیوه‌های پیشگیری از جرم خطا و مجازات مجرمین و خطاکاران زندان است. آنگونه که از متون تاریخی معتبر برمی‌آید، با توجه به وضعیت سیاسی و اجتماعی صدر اسلام، در زمان رسول خدا(ص) زندان به معنای اصطلاح رایجش وجود نداشته است. بنابراین سؤال اصلی این است که با توجه به این واقعیت، آیا می‌توان برای مشروعیت زندان به آیات قرآن استناد کرد یا نه؟ اگر پاسخ مثبت است کدام آیات برای مشروعیت دلالت می‌کنند و دلالتشان چگونه قابل اثبات است؟ در این مقاله کوشیده شد است با کمک آیات و روایات معتبر و تفاسیر مرتبط پاسخی روشن و واضح در مورد «مشروعیت زندان» به دست آید.

بدین منظور، دیرینه زندان در جامعه اسلامی مورد بحث قرار گرفته است؛ سپس ضمن مطالعه و بررسی آیات مرتبط و استناد به شواهد قرآنی، روایات معتبر و دیدگاه مفسرین اهل تشیع و تسنن، نظریه‌ای قابل اثبات ارائه گشته و پاسخی متقن و مستدل به مسئله داده شده است.

## واژگان کلیدی

آیات قرآن - زندان - تاریخ زندان - زندان در دوران رسول خدا(ص) - مشروعیت زندان

### بیان مسأله

طرح موضوع «مشروعیت زندان در قرآن» از حساسیت و اهمیت خاصی برخوردار است؛ به ویژه بخاطر برداشت دوگانه‌ای که در این مورد، از آثار و اندیشه‌های اسلامی استنباط می‌شود، از یک سو ویژگی کلی دین ارائه برنامه‌های پیشگیرانه‌ای برای مصونیت انسان از انحراف است و از سوی دیگر می‌بینیم که در زمان پیامبر(ص) مکان مشخصی به نام زندان (حبس) برای زندانی کردن متهمان و اسیران جنگی وجود نداشته است.

آنگونه که از متون تاریخی برمی‌آید، آن حضرت اسیران جنگی را در بین مسلمانان تقسیم می‌کردند و نگهداریشان را به عهده آنها می‌گذاشتند، در پارهای اوقات نیز متهمان و اسیران بطور موقت در مسجد نگهداری می‌شدند و در مورد خاصی آنها را به ستون‌های مسجد می‌بستند.

در زمان ابوبکر، نیز وضعیت به همین نحو بوده و از ساخت زندان و زندانی کردن خبری نبوده است. همانگونه که بعداً به تفصیل گزارش خواهد شد، برخی براین باورند که نخستین زندان را عمر، خلیفه دوم مسلمانان، ساخت. چون در زمان ایشان اسلام روبه گسترش نهاد و نیاز به مکانی برای زندانی کردن متهمان و متخلفان به طور جدی احساس میشد. وی خانه‌ای از صفوان بنامیه به چهارهزار درهم خرید و آن را به زندان اختصاص داد. (عطیه مصطفی، بی تا، ص ۲۸۹)

عده‌ای دیگر براین باورند که حضرت علی(ع) ابتدا زندانی را از بوریا- نی- ساخت و پس از آنکه متهمان از آن گریختند، زندان دیگری از گل و سنگ ساخت و نامش را «مخیس» گذاشت. (شافعی، ۱۳۹۸، ص ۶۸)

ابن همام حنفی(۱۴۱۲ق، ج ۵، ص ۴۷۱) می‌گوید: «در آن دوران، مکانی بنام زندان - به مفهوم رایج امروز - وجود نداشت، بلکه متخلفین، متهمین و اسیران را در مسجد و دهلیز حبس می‌کردند، تا این که عمر خانه‌ای در مکه به چهارهزار درهم خرید و آن را به زندان اختصاص داد. البته گفته شده است، که در دوران عمر و عثمان نیز زندان به معنای اصطلاحی‌اش وجود نداشته است و در زمان خلافت امام علی(ع) بود که نخستین زندان ساخته شد.»

فیروزآبادی(۱۴۰۵ق، ج ۲، ص ۲۲۰) نوشته است: «المخیس... به معنای زندان است. زندانی که علی نخستین بار آن را ساخت «نافع» نام داشت که دزدان آن را سوراخ کردند و گریختند.»

ابن اثیر (۱۴۱۰ق، ج ۲، ص ۹۲) می‌نویسد: «در روایتی گزارش شده است که علی(ع) زندانی را ساخت و نام «مخیس» بر آن گذاشت.»

زمخشری (۱۴۱۱ق، ج ۱، ص ۴۰۵) در این باره گفته است: «علی(ع) نخست زندانی از نی ساخت و آن را «مانع» یا «نافع» نامید. پس دزدان آن را سوراخ کردند؛ بعد از آن زندانی دیگر از گل ساخت و آن را «مخیس» نامید.»

باتوجه به دیرینه‌ای که برای زندان ذکر شد، اکنون این سؤال پیش می‌آید: آیا قرآن کریم به موضوع زندان به



ابن همام حنفی می‌گوید:  
 «در آن دوران، مکانی بنام  
 زندان - به مفهوم رایج  
 امروز - وجود نداشت، بلکه  
 متخلفین، متهمین و اسیران  
 را در مسجد و دهلیز حبس  
 می‌کردند، تا این که عمر  
 خانه‌ای در مکه به چهارهزار  
 درهم خرید و آن را به  
 زندان اختصاص داد. البته  
 گفته شده است، که در  
 دوران عمر و عثمان نیز  
 زندان به معنای اصطلاحی‌اش  
 وجود نداشته است و در  
 زمان خلافت امام علی علیه  
 السلام بود که نخستین  
 زندان ساخته شد.»

معنای رایج و مشهورش پرداخته است یا نه؟ در صورت مثبت بودن پاسخ، آیا برای زندان مشروعیت قابل شده است؟ و اگر مشروعیت زندان در آیات آمده است، این مشروعیت دلالت بر جواز و مباح بودن زندان دارد یا بر وجوب آن؟ و علاوه بر این آیا آیاتی که بر مشروعیت و وجوب زندان دلالت می‌کنند منسوخ شده‌اند یا نسخی در مورد آنها به وقوع نپیوسته است و دلالت آنها همچنان باقی و پایدار است؟ در این پژوهش سعی شده است به سؤالات فوق پاسخ داده شود و دلایل روایی، تفسیری و فقهی اثبات موضوعات مطرح شده، به تفصیل ذکر گردد.

لازم به ذکر است که واژه حبس در آیات فراوانی آمده است؛ مانند آیات «اذخرجنی من السجن... یوسف: ۱۰۰» «رب السجن احب الی مما یدعوننی الیه... یوسف ۳۳» و «فلیت فی السجن ... یوسف ۴۲»، اما حکم شرعی وجوب زندان از آنها بدست نمی‌آید. بنابر این بررسی آیات دیگر قرآن کریم - آیات (۳۳ و ۱۰۶ از سوره مائده)، (۱۶ و ۱۵ از سوره نساء) و آیه (۱۵ از سوره توبه) - در مورد مشروعیت زندان در قرآن کریم بحث خواهد شد.

### بررسی دلالت آیات بر مشروعیت زندان

در این بخش، سعی شده است با ذکر آیاتی که در مورد «زندان» ذکر شده است و بررسی تفاسیر آنها، به نتیجه‌ای مستدل در مورد مشروعیت زندان یا عدم آن برسیم. به این منظور آیات ۱۰۶ سوره مائده، ۱۵ سوره نساء، ۵ سوره توبه و ۳۳ سوره مائده مورد بررسی و تأمل قرار می‌گیرند.

۱) بررسی دلالت آیه ۱۰۶ از سوره مائده بر بازداشت موقت متهم: «یا ایها الذین آمنوا شهاده بینکم اذا حضر احدکم الموت حین الوصیه اثنان ذوا عدل منکم او اقراران من غیرکم ان انتم ضربتم فی الارض فاصابتکم مصیبه الموت تحبسونهما من بعد الصلوه فیقسمان بالله ان ارتبتم لا نشتری به ثمنا ولو کان ذاقربی ولا نکتم شهاده الله انا اذا لمن الاتمین»

ترجمه: ای کسانی که ایمان آورده‌اید، هنگامی که یکی از شما را (نشانه‌های) مرگ در رسید، باید از میان خود دو عادل را در موقع وصیت، به شهادت میان خود فراخوانید، یا اگر در سفر بودید و مصیبت مرگ، شما را فرا رسید (و شاهد مسلمان نبود) دو تن از غیر (همکیشان) خود را (به شهادت طلبید) و اگر (در صداقت آنها) شک کردید، پس از نماز، آن دو را نگاه می‌دارید، پس به خدا سوگند یاد می‌کنند که ما این (حق) را به هیچ قیمتی نمی‌فروشیم هر چند (پای) خویشاوند (در کار) باشد، و شهادت الهی را کتمان نمی‌کنیم، که (اگر کتمان حق کنیم) در این صورت از گناهکاران خواهیم بود.

مضمون آیه فوق، دلالت بر این مطلب می‌کند که اگر مسلمانی در حال سفر از دنیا رفت و کسی از مسلمانان همراهش نبود، باید دو نفر بر وصیت او شهادت بدهند و اگر درباره آن دو نفر شک و تردید وجود داشته باشد، باید تا بعد از نماز عصر که سوگند یاد می‌کنند، حبس شوند؛ پذیرش این معنا مشروط بر آن است که:

اولاً: منظور از حبس (تحبسونهما) در این آیه، زندان در مفهوم رایج و مصطلح آن باشد.

ثانیاً: ثابت گردد که شهادت اهل کتاب درباره وصیت قابل پذیرش است.

ثالثاً: این آیه بوسیله آیه ۲۸۲ از سوره بقره (ممن ترشون من الشهداء) و آیه ۲ سوره طلاق (واشهدوا ذوی عدل منکم) نسخ نشده باشد.

پذیرش و یا عدم پذیرش مطالب فوق نیازمند بررسی و دقت نظر بیشتری است؛ برای دستیابی به نظریه‌ای قابل دفاع در این رابطه، ابتدا روایت‌هایی که آیه را تفسیر نموده‌اند ذکر شده و بعد از آن آراء و نظرات مفسرین گزارش شده و در پایان نتیجه‌گیری منطقی و قابل دفاع ارائه شده است.

الف): روایات: در اینجا، روایت‌های مختلف در مورد آیه مذکور، گزارش داده می‌شود:

۱) بحرانی (۱۳۶۳، ج ۱، ص ۵۰۹) گفته است: درباره آیه ۱۰۶ از سوره مائده، از امام صادق (ع) سؤال شد، آن حضرت در پاسخ فرمودند: اگر کسی از مسلمانان در حال سفر

در زمان ابوبکر  
نیز وضعیت به همین  
نحو بوده و از ساخت  
زندان و زندانی کردن  
خبری نبوده است.  
برخی براین باورند  
که نخستین زندان را  
عمر، ساخت. چون در  
زمان وی اسلام روبه  
گسترش نهاد و نیاز  
به مکانی برای زندانی  
کردن متهمان و متخلفان  
به طور جدی احساس  
می‌شد. وی خانه‌ای  
از صفوان بنامیه به  
چهار هزار درهم خرید  
و آن را به زندان  
اختصاص داد.

از دنیا رفت، دو نفر شاهد عادل مسلمان بر وصیت او شهادت بدهند و اگر دو شاهد عادل پیدا نشد، دو نفر بیگانه که قرآن می‌خوانند را به عنوان شاهد بپذیرند و آن دو را تا بعد از نماز عصر حبس نمایید.

۲) ابن عباس (۱۴۰۶ق، ج ۱، ص ۲۳۲) گفته است: ... آن دو نفر مسیحی را حبس می‌کنند تا اینکه بعد از نماز عصر به خدا سوگند یاد کنند.

۳) زمخشری (۱۴۰۷ق، ج ۱، ص ۶۸۷) نوشته است: اگر در سفر کسی از شما از دنیا رفت و کسی از خویشاوندان برای شهادت بر وصیت او پیدا نشد، دو نفر شاهد بیگانه بر وصیت او بگیرید، قرآن کریم شهادت خویشاوندان را سزاوارتر دانسته است، زیرا آنان بر وصیت میت آگاهتر، باوقا تر و شایسته‌ترند، و اگر پیدا نشد آن وقت از اهل ذمه شهادت را بپذیرند. و نیز گفته شده است که این حکم نسخ شده است، زیرا شهادت اهل ذمه فقط در صدر اسلام که تعداد مسلمانان اندک بوده است و در سفر پیدا نمی‌شدند جایز بوده است، اما بعد از آن شهادت ذمی بر مسلمان جایز نیست. از مکحول نقل شده است که این آیه، به وسیله آیف «واشهدوا ذوی عدل منکم» نسخ شده است.

۴) طبرسی (۱۴۰۸ق، ج ۳، ص ۳۹۷) می‌گوید: ... یعنی آنان را تا بعد از نماز عصر بازداشت نمایید؛ چون مردم حجاز عادتشان بر این بود که بعد از نماز عصر که اجتماع مردم بیشتر می‌شد قسم می‌خوردند... خطاب در «تحبسونهما» متوجه ورثه میت است و احتمال می‌رود که طرف خطاب قضات باشند.

۵) ابن عربی (۱۳۹۸ق، ج ۲، ص ۷۱۶) گفته است: «تحبسونهما من بعد الصلوه» دلالت بر این دارد کسی که حق به ذمه‌اش است را باید حبس کرد، و این یکی از ریشه‌های حکمت و حکمی از احکام دین است.

۶) ابن قیم جوزیه (۱۳۸۱، صص ۲۰۵ و ۲۱۳) در پاسخ به کسانی که ادعای نسخ حکم آیه را داشتند و همچنین کسانی که گفته‌اند، حکم آیه با اصول و قیاس مخالفت دارد، می‌گوید: این که آنها می‌گویند شاهد را نمی‌توان حبس کرد، باید گفت که منظور از حبس در اینجا زندان نیست که گناهکار با آن کیفر می‌شود، بلکه منظور این است که آن دو را تا بعد از نماز عصر برای سوگند یاد کردن نگاه دارید. در این دو عبارت دو احتمال وجود دارد، یکی اینکه منظور از حبس بازداشت موقت است و دیگر آنکه حبس به معنای زندان اصطلاحی معروف است. به هر حال از این آیه به دست می‌آید که منظور از حبس، زندان است آن هم زندان موقت، یعنی زندان احتیاطی.

۷) فخر رازی (۱۳۵۷، ج ۱۲، ص ۱۱۷) می‌نویسد: منظور از «تحبسونهما» آن است، که دو نفر شاهد را تا بعد از نماز بازداشت کنید تا قسم بخورند... حرف فاء در «فیقسمان بالله» فای جزاء است، یعنی آن دو را تا قبل از سوگند یاد کردن زندانی کنید.

۸) علامه طباطبایی (۱۳۷۹، ج ۶، ص ۱۱۲) نوشته است: «تحبسونهما من بعد الصلوه» منظور حبس آن دو است. اگر در اظهارات وصی یا مال الوصیه و در چگونگی وصیت شک و تردید نمایید، دو نفر شاهد به خدا سوگند یاد می‌کنند.

از آنچه گذشت به دست می‌آید، هنگامی که نشانه‌های مرگ مسلمانی پیدا شد، باید دو نفر مسلمان عادل به عنوان شاهد بر وصیت مشخص کند، و اگر نشانه‌های مذکور در سفر اتفاق افتد و کسی از مسلمانان همراه او نباشد، باید دو نفر را از اهل کتاب به عنوان شاهد بر وصیت انتخاب کند، و آنها را باید تا بعد از نماز عصر حبس نمود تا به نام خدا سوگند یاد کنند. منظور از حبس نیز، زندان احتیاطی است تا بدین وسیله از پایمال شدن حق جلوگیری شود. پس مضمون آیه دلالت روشنی بر مشروعیت زندان و بازداشت احتیاطی دارد. امامیه بر این باورند که این آیه نسخ نشده و شهادت اهل کتاب در مورد وصیت مسلمان در سفر جایز است. در مقابل، برخی از اهل تسنن معتقدند که این آیه نسخ شده است. شهادت اهل کتاب پذیرفته نیست. در حالی که پذیرش نسخ، در گرو داشتن دلیل قطعی و متواتر است و چنین دلیلی بر نسخ آیه مذکور وجود ندارد؛ برعکس روایات مستفیض زیادی بر عدم نسخ آیه و پذیرش شهادت اهل کتاب، در موقعیت مذکور یافت می‌شود.

مرحوم آیت الله خوئی (۱۳۹۴، صص ۳۶۳-۳۶۶) به طور مفصل، دلایل کسانی را که قائل به نسخ آیه شده‌اند، مورد نقد و بررسی قرار داده و عدم نسخ آیه و پذیرفتن شهادت اهل کتاب را به اثبات رسانده است، خلاصه مطالب ایشان به شرح زیر است:

«امامیه بر این اعتقادند که آیه ۱۰۶ از سوره مائده از محکمت است و نسخ نشده است، لذا شهادت اهل کتاب درباره وصیت مسلمانان در سفر صحیح است؛ جمعی از صحابه و تابعین از جمله، عبدالله بن قیس، ابن عباس، شریح، سعید بن مسیب، سعید بن جبیر، محمد بن سیرین، شعبی، یحیی بن یعمر و سدی این نظر را پذیرفته‌اند و از فقهاء سفیان ثوری و ابو عبیده و ... این نظریه را تأیید کرده‌اند.

ادامه دارد